

رسوایی در کشور بوهم و پنج داستان دیگر

ماجراهای شرلوک هولمز؛ کارآگاهی خصوصی (جلد اول)

آرتور کانن دوئل

کریم امامی

(تصاویر اصلی از سیدنی پجت)

فهرست

۷	□ پیش‌گفتار
۱۳	۱. رسوایی در کشور بوهم
۵۵	۲. انجمن موسرخ‌ها
۹۵	۳. پنج هسته پرتقال
۱۲۵	۴. مرد لب‌کج
۱۶۳	۵. یاقوت کبود
۱۹۷	۶. نوار خال‌خال

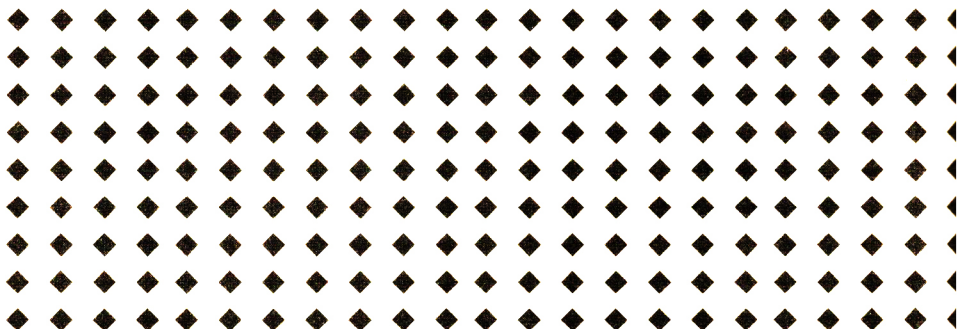


رسوایی در کشور بوهم

برای شرلوک هولمز او همیشه زن به مفهوم مطلق بود. هر وقت می گفت «آن زن» مقصودش آیرین آدلر^۱ بود و کمتر شنیده‌ام از او سخن بگویند و او را به نام دیگری جز این بخوانند. در نظر شرلوک هولمز، آیرین آدلر همه همجنس‌انسانش را تحت الشعاع قرار می‌داد. مقصودم این نیست که شرلوک هولمز احساس عشق یا چیزی نظیر آن نسبت به آیرین آدلر داشت. برای ذهن سرد و دقیق ولی بسیار متعادل او، همه احساسات و عواطف، مخصوصاً عشق، چیز ناخوشایندی بود. به نظر من او کامل‌ترین ماشین استدلال‌کننده و مشاهده‌گری بود که جهان به خود دیده است. و اگر عاشق می‌شد خودش را در موضع غلطی قرار می‌داد. شرلوک هولمز هیچ‌گاه از احساسات و عواطف لطیف سخن نمی‌گفت، مگر با طعنه و تمسخر. برای انسان مشاهده‌کننده وجود این احساسات و عواطف در دیگران البته چیز مطلوبی بود و پرده راز را از روی انگیزه‌ها و اعمال انسان‌ها به یک سو می‌زد. ولی اگر قرار بود که استدلال‌گر تربیت شده اذعان کند که چنین احساسی در مزاج ظریف و به دقت تنظیم شده خودش رخنه کرده است، این اذعان به منزله وارد کردن یک عامل انحرافی در قضیه بود، که ای بسا باعث می‌شد همه نتایج ذهنی به‌دست آمده مورد تردید قرار بگیرد. وجود یک ذره شن در یک ابراز حساس یا بروز ترکی در یکی از

عینک دورطایی و پنج داستان دیگر

ماجراهای شرلوک هولمز؛ کارآگاهی خصوصی (جلد چهارم)



آرتور کانن دوئل

کریم امامی

(تصاویر اصلی از سیدنی پجت)

فهرست

۷	□ باز هم چند نکته
۱۱	۱۹. خانه خالی
۴۷	۲۰. دوچرخه سوار تنها
۸۱	۲۱. چارلز آگستون میلورتن
۱۰۹	۲۲. شش ناپلئون
۱۴۳	۲۳. عینک دورطلابی
۱۸۱	۲۴. دومین لکه



۱۹

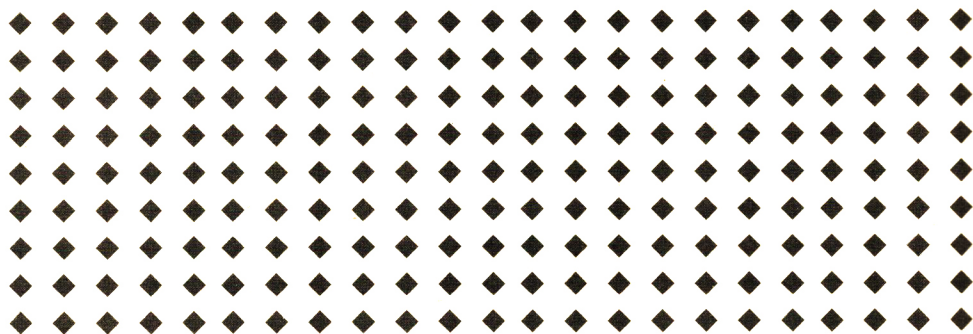
خانه خالی

در بهار سال ۱۸۹۴ بود که قتل عالی‌جناب رانلد آدر^۱، آن هم در غریب‌ترین و مرموزترین شرایط، سر و صدای زیادی در لندن برپا کرد و موجب نگرانی محافل اشرافی گردید. مردم از آن مقدار جزئیات امر که در جریان تحقیقات پلیس افشا گردید آگاه شدند، ولی مقدار قابل توجهی از حقایق پنهان ماند، چرا که مدارک و شواهد موجود در ادعانامه دادستان آن‌چنان محکم و کوبنده بود که نیازی به آشکار ساختن تمام حقایقی پیش نیامد. و حالا تنها پس از گذشت نزدیک به ده سال از واقعه است که صاحب این قلم اجازه یافته حلقه‌های مفقود آن سلسله رویدادهای عجیب را از صندوقه اسرار خارج بسازد و در معرض افکار عمومی قرار دهد. آن جنایت البته در حدّ خود قابل توجه بود ولی برای من، در مقایسه با دنباله غیرقابل تصویری که ماجرا پیدا کرد و مرا بیش از هر واقعه دیگری در طول زندگی پرماجرایی خود مبهوت و شگفت‌زده ساخت به کلی هیچ بود. حتی در این لحظه که مدتی نسبتاً طولانی از ماجرا گذشته است وقتی به آن فکر می‌کنم دچار هیجان می‌شوم و بار دیگر در ذهن خود به جریان درآمدن آن سیلاب ناگهانی شادی و حیرت و ناباوری را که یک‌باره بر سر من فروریخت حس می‌کنم. اجازه بدهید خطاب به همه

1. Ronald Adair

سیمای زرد و پنج داستان دیگر

ماجراهای شرلوک هولمز؛ کارآگاهی خصوصی (جلد سوم)



آرتور کانن دوویل

کریم امامی

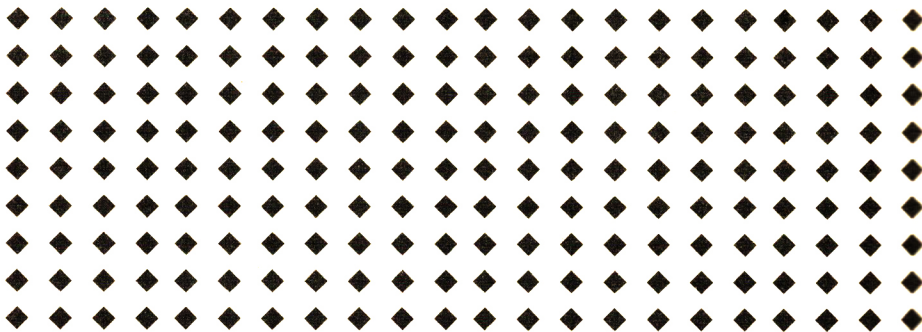
(تصاویر اصلی از سیدنی پجت)

فهرست

۷	□ باز هم چند نکته
۹	۱۳. سیمای زرد
۳۹	۱۴. آیینِ ماسگرینو
۷۱	۱۵. بیمارِ مقیم
۱۰۱	۱۶. مترجمِ یونانی
۱۳۱	۱۷. عهدنامهٔ دریایی
۱۸۵	۱۸. آخرین مسأله

برق نقره‌ای و پنج داستان دیگر

ماجراهای شرلوک هولمز؛ کارآگاهی خصوصی (جلد دوم)



آرتور کانن دوئل

کریم امامی

(تصاویر اصلی از سیدنی پِجت)

فهرست

- ۷ □ چند نکته
- ۹ ۷. انگشت شست مهندس
- ۴۳ ۸. اشراف‌زاده مجرد
- ۷۹ ۹. نیم‌تاج یاقوت
- ۱۱۹ ۱۰. آله‌های سرخ
- ۱۵۹ ۱۱. برق نقره‌ای
- ۲۰۱ ۱۲. ماجرای کشتی «گلوریا اسکات»



انگشت شست مهندس

از همه معماهایی که طی سال‌های دوستی و خصوصیت من با آقای شرلوک هولمز حل و فصل آنها از او خواسته شد تنها دو مورد بود که من واسطهٔ ارجاع آن بودم: قضیهٔ انگشت شست آقای هدرلی^۱ و قضیهٔ جنون سرهنگ واربرتن^۲. مورد اخیر ممکن است میدان مناسب‌تری برای نمایش توانایی‌های مشاهده‌گر تیزبین و اصیلی چون او باشد، ولی مورد اول به‌قدری از همان ابتدای کار غریب بود و جزئیات حیرت‌انگیزی داشت که تصور می‌کنم شایستگی بیشتری برای ثبت در این دفتر داشته باشد، هرچند که دوست من فرصت زیادی برای استفاده از شیوه‌های استنتاجی و استدلالی خاص خود در حل آن نیافت، شیوه‌هایی که به کمک آنها به آن‌چنان نتایج درخشانی می‌رسید. تصور می‌کنم چگونگی ماجرا بیش از یک‌بار در مطبوعات به چاپ رسیده باشد، ولی مثل همهٔ روایت‌هایی از این دست، وقتی که همهٔ داستان از سر تا ته یکجا به صورت نصف ستون مطلب چاپ شده به دست خواننده می‌رسد تأثیر آن بسیار ضعیف‌تر از هنگامی است که حقایق امر آرام‌آرام در برابر چشمان انسان ظاهر شوند و پردهٔ راز با هر کشف تازه قدری بیشتر از پیش کنار رود تا سرانجام همهٔ حقیقت آشکار گردد. در زمانی که ماجرا به وقوع پیوست جزئیات امر تأثیر عمیقی بر من گذاشت، به‌طوری که گذشت دو سال هم از شدت آن تأثیر نکاسته است.

1. Victor Hatherly

2. Colonel Warburton